

Scientific Mobility as a Reflection of Structural Semantic Study

*Mohammad Hadi Ya'qoubnejad**

Assistant Professor, Department of Compilation of Knowledge Organizations,
Islamic Information and Documents Management Research Institute, Islamic
Science and Culture Research Institute

(Received: December 16, 2020; Accepted: January 3, 2021)

Abstract

In order for the jurisprudence to be more effective and efficient, it needs factors like thematic study. Although this matter has been the concern of the jurists and has been studied somehow in the past, the scientific mobility of jurisprudence is dependent on the thematic study based on a systematic structure in order to have a good control of the wide range of this knowledge. It also needs reconstruction in order to accept the previous jurisprudential statements and the recent jurisprudential needs and to direct the research and teaching through changing new devices. The main question is what is the solution for thematic study of jurisprudence with regard to the predicted expectations? This study, using a descriptive-analytical method, proposes a strategy for thematic structural study of jurisprudence based on the identification of the system of terminology in order to answer the same question.

Keywords: Jurisprudence, Thematic Study of Jurisprudence, Terminology System, Jurisprudence Systematization, Jurisprudence Thesaurus.

* Corresponding Author, Email: Islamicdoc@gmail.com

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۸، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
صفحات ۹۴۹-۹۲۵ (مقاله پژوهشی)

تحرك علمي فقه بازتابي از موضوع‌شناسي ساختاري

محمدهادي يعقوب‌نژاد*

گروه تدوين سازمان‌هاي دانش پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی، استادیار

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴)

چکیده

دانش فقه برای کارایی و اثربخشی بیشتر، به عواملی همچون موضوع‌شناسی نیاز دارد. هرچند این امر از گذشته دغدغه فقیهان بوده و به گونه‌هایی انجام گرفته است، ولی تحرك علمي فقه، به موضوع‌شناسی مبتنی بر ساختاری نظام‌یافته وابسته است که بتواند دانشی با این پهنه وسیع را به‌درستی مدیریت کند و با تجدید بنا گزاره‌های پیشین و نیازهای پسین فقهی را پذیرا باشد و با تحولات ابزارهای نوین به پژوهش و آموزش جهت دهد. پرسش اصلی آن است که برای موضوع‌شناسی فقه، با انتظارات پیش‌گفته، چه راهکاری وجود دارد؟ این مقاله، با شیوه توصیفی-تحلیلی و شبه‌تجربی برای پاسخ به همین پرسش، رهیافتی در موضوع‌شناسی ساختاری فقه بر پایه‌شناسایی نظام اصطلاحات ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی

اصطلاح‌نامه فقه، علم فقه، موضوع‌شناسی فقه، نظام اصطلاحات، نظام‌سازی فقه.

۱. مقدمه

فقه، گسترده‌ترین علم اسلامی است. این میراث در حال توسعه برای کارآمدی بیشتر و تحرک علمی به عناصری مانند بازسازی بنای علمی و موضوع‌شناسی ساختاری نیاز دارد. توسعه دامنه فقه اهمیت این بحث را بیشتر می‌کند.

سؤال اصلی آن است که برای موضوع‌شناسی ساختاری فقه چه راهکار قاعده‌مندی می‌توان پیشنهاد کرد تا فهم موضوع و ثبت آن را در مدلی روشن فراهم کند؛ جایگاه هر مسئله را مشخص‌تر و به کارآمدی بیشتر و تحرک علمی کمک رساند؟

فقه کارآمد، به عنصر موضوع‌شناسی با ساختاری نظام‌یافته (نه مبتنی بر گرایش‌ها و سلیق شخصی ناهمگون) نیازمند است که بتواند دانشی با این گستردگی را مدیریت کند و سامان بخشد و با شبکه‌ای قابل گسترش، هم گزاره‌های پیشین و هم گزاره‌های نوپدید را در بدنه خود بپذیرد و با تحرک‌پذیری به تجدید بنا و استحکام درونی فقه مدد برساند و روزآمدی آن را نمایان کند و به کمک ابزارهای نوین به پژوهش و آموزش جهت دهد.

نویسنده بر این باور است که پایه اصلی در موضوع‌شناسی ساختاری فقه (با توجه به انتظارات یادشده) نظام‌شناسی اصطلاحات است؛ چه اینکه هیچ ساختاری در نظم‌بخشی علوم، دقیق نیست، مگر آنکه براساس سنگ بنای علوم، طراحی و تنظیم شود. سنگ بنای اصلی در هر علمی از جمله فقه مصطلحات آن است، زیرا اصطلاحات در حقیقت موجود زنده فضای علم‌اند و بازتابی از گستره مفاهیم علوم به‌شمار می‌آیند. همین اصطلاحات پایه اصلی موضوع‌شناسی نیز هستند، زیرا در زبان‌ها و رشته‌های تخصصی، معانی به‌وسیله مفاهیم صورت‌بندی شده و از طریق اصطلاحاتی خاص به دیگران منتقل می‌شوند، بدون چنین فرایندی شناسایی موضوعات ممکن نمی‌شود. از نظر اصطلاح‌شناسی^۱ اصطلاحات وسیله ارتباط تخصصی بین اندیشمندان است (حری، ۱۳۸۱). همین اصطلاحات اگر طبق قواعدی از پیش طراحی شده، تنظیم شوند و مفاهیم علمی فقه را در سیستمی نظام‌مند نشان

۱. اصطلاح‌شناسی، دانش مطالعه نظام‌مند در نامگذاری مفاهیم مربوط به رشته‌های تخصصی است.

دهند، به‌نوعی روشمند به موضوع‌شناسی ساختاری کمک می‌کنند و حرکت در مرز دانش فقه را ترسیم و به سامان‌بخشی آن خواهند انجامید. این مقاله با تأکید بر اهمیت موضوع‌شناسی فقه، نقش راهبردی نظام‌سازی مصطلحات فقهی در موضوع‌شناسی ساختاری و تحرك‌پذیری فقه از آن مسیر و چند و چون آن را بررسی می‌کند.

۲. چيستی و چرایی موضوع‌شناسی فقهی

۱.۲. چيستی موضوع فقهی

موضوع در علوم مختلف دارای کاربردهای متفاوتی است^۱ و در فقه دو کاربرد برجسته دارد؛ یکی موضوع فقه که عمدتاً آن را فعل مکلف می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۸ق: ۲۹؛ خمینی، ۱۳۶۹: ۸/۱)؛ دوم موضوع حکم است و مقصود از موضوع در اصطلاح موضوع‌شناسی همین کاربرد دوم است که در حقیقت اصطلاح اصولی است (ر.ک: شهید صدر، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۱۲۱؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۸: ۷۴ - ۵۴).

عموماً فقیهان به تعریف موضوع نپرداخته‌اند و گویا آن را به‌وضوح، واگذاشته‌اند، فقیهانی مانند نائینی در کتاب‌های اصولی تعریف‌هایی آورده‌اند که به ظاهر ناسازگار است: موضوع، چیزی است که حکم شرعی بر آن مترتب شود (نائینی، ۱۴۱۶ق: ۳۸۹). در جای دیگر می‌گوید: منظور از موضوع، همان مکلف است با قیدها و شرایط خود، مانند عقل و بلوغ و غیر اینها، که مورد طلب فعل یا ترک واقع گردد (نائینی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۵). شهید صدر، موضوع را متعلق متعلق، می‌داند. یعنی چیزهای خارجی که متعلق، نخست به آن تعلق گرفته باشد، مانند خمر در خطاب: «لا تشرب الخمر» (صدر، ۱۴۰۵ق: ۷۷).

۱. مانند موضوع در برابر محمول (منطق)؛ محلی که عرض، قائم به آن و جوهر از آن بی‌نیاز است (فلسفه)؛ به معنای متعلق المتعلق (نائینی، ۱۴۱۶ق: ۱۲) یا آنچه در به حقیقت رسیدن و عملی شدن حکم، نقش دارد (صدر، ۱۴۰۶ق: ۱۱) (اصول)؛ محور علوم (ابن‌سینا، ۱۳۷۱: ۱۵۵؛ خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۷) (اجزای علوم) لفظ و یا علامتی که برای معنایی وضع شود (باب وضع)؛ حدیث ساختگی (عاملی، ۱۴۰۱ق: ۱۱۵) (علوم حدیث)؛ موضوع به معنای مصداق (شبهات موضوعیه).

شاید بتوان موضوع در اصطلاح «موضوع‌شناسی فقهی» را چنین معنا کرد: «عنصری است که در قضایای بیانگر احکام شرعی، در مقابل حکم قرار می‌گیرد و محور ورود حکم شرعی است اعم از موضوع اصولی، منطقی و متعلق حکم، و هر آنچه حکم شرعی را می‌پذیرد»، با این معنا موضوع‌شناسی در علم فقه جایگاه وسیعی دارد.

۲.۲. جرایم تشخیص موضوع برای فقیه

موضوع‌شناس همان‌گونه که مفهوم موضوع را می‌شناسد، چه بسا بر پایه مفهوم، مصداق آن را نیز مشخص می‌کند؛ برای مثال «دلوک شمس» که موضوع حکم تکلیفی و وجوب اقامه نماز است (اسراء/ ۷۸). در سرزمین‌های معتدل، مصداق روشنی دارد، ولی در مناطقی که روزها کوتاه است، مانند بخش‌هایی از اروپا، تعیین مصداق «دلوک» دشوار و کارشناسی آن نیازمند بررسی و تشخیص فقیه است، زیرا تا موضوع برای فقیه به‌خوبی مشخص نباشد، نمی‌تواند حکم را انشا کند، چه اینکه موضوع به‌منزله علت حکم است (صدر، ۱۹۷۸: ۱۵۸)^۱ و ائمه (ع) راه‌های تشخیص موضوع را تعلیم کرده‌اند، در مواردی مانند «روایات امر به فتوا» و «روایات امر به تفریع» (عاملی، ۱۴۰۱: ۳۰، ۲۹؛ همان ۱: ۵۵۴): بدیهی است لازمه فتوا در سؤالاتی که موضوعش به‌عینه در آیات و روایات نیست، آن است که پاسخ آن را از اصولی که معصومین (ع) بیان کرده‌اند، درآورد. فقیه، دائم با کارشناسی موضوعات سروکار دارد، از این‌رو فقیه در بیشتر مسائل اهل خبره است، مگر در مسائل خاص که به خبرویت خاصی نیاز باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، نقد و نظر، سال دوم، ش ۵، ۱۹).

۳. پیشینه موضوع‌شناسی

تاریخ علم گواه است که اندیشمندان به موضوع‌شناسی علوم همت کرده‌اند و مباحث پردامنی همانند رده‌بندی‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها، هندسه علوم و هستی‌شناسی و مانند آن را

۱. تشخیص موضوع، صرفاً تشخیص مصداقی جزئی پس از مشخص شدن حکم مسئله، نیست، مانند تشخیص مصادیق نجاساتی مثل خون که تشخیص آن بر عهده مقلد است نه فقیه. اگر گفته‌اند: «بر فقیه جایز نیست دخالت در موضوعات و تعیین مصادیق» (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۲۷۳) مقصود همین معناست.

مطرح کرده‌اند که همچنان از مباحث مهم‌اند. فیلسوفان^۱، اخلاقیان، منطقیان^۲، متکلمان و اصولیان^۳ به گونه‌هایی به موضوع‌شناسی علوم خود توجه کرده‌اند؛ در فقه نیز، موضوع، پایه اصلی حکم است، از این رو شناسایی موضوعات فقهی دارای سابقه طولانی است؛ در جوامع فقهی موضوعات کلی فقه برجسته شده و موضوعات ریزتر به شیوه‌هایی مورد بحث‌اند (شهابی، ۱۳۲۴، ج ۲: ۱۳). در تأسیس موضوع و موضوع‌شناسی فقهی، فقیهانی نقش‌آفرینی خاصی داشته‌اند.

۳. ۱. علامه حلی آغازگر موضوع‌شناسی در فقه

علامه حلی بنیانگذار دگرگونی‌هایی در فقه است. او بخش‌هایی از اصطلاحات کلیدی از جمله واژه موضوع را نخستین بار به ادبیات فقهی افزود. گاه واژه موضوع را در کنار واژه‌های منطقی مثل صغری و کبری به کار می‌برد. می‌گوید: موضوع الکبری (علامه حلی، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۲۱۶) و گاه اتحاد الموضوع را به زبان می‌آورد. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۶) و در عدم تناقض بین دو قضیه فقهی می‌نویسد: (نمنع التناقض لأن الموضوع یختلف) ناسازگاری را در مسئله برطرف می‌سازیم؛ چون موضوع مختلف است (علامه حلی، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۷۳).

رویکرد به موضوع‌شناسی، با اندیشه او به ادبیات فقه راه یافته است: ان أصحابنا المتقدمین، رضوان الله علیهم اجمعین، اعطونا القوانین الکلیه ولم یتعرضوا لهذه التفریعات الجزئیة... (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۵۲۹). فقیهان پیش از ما که رضوان خدا بر آنها باد، تنها اصول کلی را به ما ارائه داده و به تفریع‌های جزئی نپرداخته‌اند. ولی ما، به این فروع می‌پردازیم، تا فقیه حاذق، برای استخراج هر آنچه از فروع برای او پیش می‌آید، مهارت یابد.

۱. جمعی از محققان، ۱۳۷۶، ج ۱، واژه فلسفه و واژه حکمت.

۲. جمعی از محققان، ۱۳۷۸، واژه منطق (حوزه اصلی).

۳. جمعی از محققان، ۱۳۸۰، واژه اصول فقه (حوزه اصلی).

بخشی از واژه‌پردازی‌های ادبیات‌ساز علامه حلی در فقه نتیجه نوع نگرش اندیشه‌ساز اوست، زیرا

- به فقه مقارن به‌گونه‌ای کم‌سابقه، پرداخته است.

- اصطلاحاتی را که در نظام واژگانی اهل سنت کاربرد داشت، با رویکردی، گاه جدای از آنچه نزدشان بود، به کار برد. مثلاً واژه مناسب را از اهل سنت گرفت و در چارچوبی خاص در فقه شیعه جای داد (علامه حلی، ج ۲: ۷۶ و ۱۲۲؛ ج ۴: ۱۷۲). این اصطلاح، بعدها دگرگون شد و اینک به‌عنوان مناسبات‌شناسی، مطرح است.

پس از علامه، فرزندش فخرالمحققین نیز واژه موضوع را به کار گرفت؛ در تعبیرهایی مانند موضوع‌القضیه (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۲: ۷۹) (الموضوع و المحمول) (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۱۶). فقیهان بعد نیز، واژه (موضوع) را در مسائل متنوع فقهی به کار گرفتند (مثلاً شهید اول در ذکری، ج ۱: ۹۸؛ ابن فهد در المهدب البارع، ج ۲: ۲۳؛ نیز: فخرالمحققین در *ایضاح الفوائد*، ج ۳: ۴۰ و ج ۲: ۱۱۶؛ علامه حلی، در مختلف، ج ۵: ۷۳). کاربرد موضوع، در تاریخ فقه آغاز دستاوردهایی بوده و اکنون، موضوع‌شناسی فقهی، دانشی است که جایگاه خاصی یافته و مؤسساتی هم به آن ویژه شده‌اند.

۴. موضوع‌شناسی ساختاری فقه

۴.۱. چرایی موضوع‌شناسی ساختاری

منظور ما از موضوع‌شناسی ساختاری فقه، تنظیم همه موضوعات فقهی با محوریت موضوع کلان فقه در نظامی منطقی و در شبکه‌ای گسترش‌پذیر و پویاست که با نظام‌سازی متناسب، گستره موضوعی فقه را در یک نگاه مجموعی به‌صورتی منظم نمایان سازد. جست‌وجو در موضوع‌شناسی ساختاری فقه از جهاتی مهم است و می‌تواند به موارد ذیل مدد رساند:

۴.۱.۱. روزآمدی استنباط

احاطه کامل و روزآمدی استنباط به شناخت دقیق و ساختارمند موضوعات وابسته است. علامه حلی توانایی بر کشف موضوعات و استنباط مسائل نوپدید را از شرایط لازم افتا

می‌داند (علامه حلی، ۱۳۴۱ق: ۱۱۹). امام خمینی بر اهمیت موضوعات نوپدید در استنباط تأکید دارد (خمینی، ۱۳۶۱: ۹۸) شهید مطهری می‌گوید: «فقیه باید احاطه کامل به موضوعاتی که برای آنها فتوا می‌دهد داشته باشد» (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۰۰).

۴. ۱. ۲. تحرك اجتهاد

تحرك اجتهاد در گذر تاریخ از مجاری متعددی بوده است، مانند روش‌های فقهاتی که باید تحت بررسی باشد. از مهم‌ترین اینها توسعه نظام‌مند موضوعات است؛ تحرك آفرینی موضوعات، سطوح و برایندهای مختلفی در روزآمدی و تحرك اجتهاد دارد؛ نخست اینکه بدنه بحث‌های علمی روزانه صاحب‌نظران را متحول می‌کند و اجتهاد را به عنصری پویا، متحرك و زنده تبدیل می‌کند؛ دیگر آنکه در سطحی فراتر نظام فقه را دستخوش تغییر می‌سازد

۴. ۱. ۳. تحول فقه

عناصری در علوم یا اصلاً دگرگون نمی‌شوند یا بسیار اندک تغییر می‌پذیرند. برای مثال موضوع علم معمولاً متغیر نیست. شاید اندیشورانی دامنه موضوع را توسعه دهند یا با تضییق قلمرو، دانش جدیدی ابداع کنند، روش علم هم ممکن است تحول یابد. عناصر روشی مربوط به شیوه استنباط از بحث‌های مهم تحول‌ساز است. یکی از عناصر تحول‌آفرین مسائل و موضوعات علوم است و از این حیث فقه به شدت توسعه‌پذیر است و به‌عنوان دانش برخط، درخور دگرگونی ساختاری است. فقه، مانند هر علم پویایی درگذر زمان بر گزاره‌های آن افزوده شده و برخی مسائل آن (مانند عبد و امه) نیز به حاشیه رفته است. مواردی از قبیل آنچه در این سه مورد گفتیم، با موضوع‌شناسی ساختاری به‌درستی میسر می‌شود.

۴. ۲. گام‌های فقیهان در موضوع‌شناسی ساختاری

در فقه چون موضوع، پایه اصلی حکم است، شناسایی و ساختاردهی موضوعات فقهی، اهمیت بیشتری یافته و همزاد با تأسیس علم فقه نیز مطرح بوده و پس از عصر تدوین، فقیهان درصدد تنظیم فقه برآمده‌اند و علم فقه را به لحاظ‌هایی دسته‌بندی کلی کرده‌اند.^۱

۱. جمعی از محققان، ۱۳۹۷، واژه فقه (حوزه اصلی).

از قرن اول و دوم هجری هر موضوع کلی فقه را به‌عنوان کتاب تنظیم کرده‌اند (شهابی، ۱۳۲۴ ج ۲: ۱۳) که در داخل هر کتاب موضوعات ریزتر آمده است.

«محقق حلی (ره) مسائل فقهی را با عنوان «کتاب» تنظیم نموده: ابتدا ابواب فقه را به چهار بخش (عبادات، عقود، ایقاعات و احکام) تقسیم کرده است: عبادات، ۱۰ باب؛ عقود، ۱۵ باب؛ ایقاعات ۱۱ باب؛ احکام ۱۲ باب (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱). (در جمع چهل و هشت باب (کتاب) می‌شود. با اینکه مشهور شده است که فقه شیعه پنجاه کتاب یا باب دارد). بعد از محقق حلی، علامه حلی در کتاب *تذکره الفقهاء* به گونه خاصی فقه را تقسیم کرده است؛ شهید اول توضیحی درباره تقسیم محقق حلی دارد. دیگر فقیهان، به تقسیم‌بندی محقق نپرداخته و خود نیز تقسیم‌بندی‌ای ندارند. طاهری عراقی با جمع‌بندی نظرات دیگران طبقه‌بندی دیگری دارد (طاهری عراقی، ۱۳۷۶: ۷۸-۵۴). در برخی کتاب‌های قدیمی‌تر، ۲۳ باب (سلاردیلمی، ۱۴۱۴: ۸۲) ۳۶ باب (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۱۰۹) ذکر کرده‌اند (ر. ک: طاهری عراقی، ۱۳۷۶: مقدمه، ص چهل و پنج تا چهل و هفت). بعضی از متأخران اهل سنت فقه را سه بخش کرده‌اند: عبادات، اصول اخلاقی، احکام قانونی (محمصانی، ۱۳۵۸: ۲۰) اکنون مباحث فقهی به‌صورت «ابواب فقهی» و «کتب فقهی» است (شهابی، ۱۳۲۴، ج ۲: ۱۳) که عموماً در سطح موضوعات کلی متذکر شده‌اند»^۲.

این گزارش‌ها خبر می‌دهد فقیهان بر ساختار واحدی توافق ندارند؛ چه اینکه معروف‌ترین تقسیم نزد فقها از محقق حلی در کتاب *شرایع* است و به‌جز شهید اول که در کتاب *قواعد*، درباره آن توضیحی داده، دیگر شارحان شرایع از قبیل شهید ثانی در *مسالك*

۱. شرایع ابواب عقود را بجای پانزده باب، نوزده باب نام برده که در مجموع ۵۲ باب فقهی را برشمرده است (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱).

۲. نگارنده در مقاله‌ای از دسته‌بندی چهارده فقیه و دانشور شیعه و تعدادی فقیهان اهل سنت به‌ترتیب تاریخی گزارش داده است. در اینجا از قسمت‌هایی از آن استفاده شده است (یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵).

و موسوى عاملى در مدارك و همچنين صاحب جواهر، درباره تقسيم محقق، هيچ نظرى نداشته‌اند. شهيد اول هم در كتاب *لمعه دمشقيه* از روش محقق پيروي نكرده و خود در *القواعد* راه ديگرى برگزيده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۹۳-۲۶۱). «اولين مطلبى كه لازم است يادآورى شود اين است كه آيا اين مسائل گسترده فقهى به‌نحوى دسته‌بندي شده و تقسيمى بر مبناي صحيح روى آنها صورت گرفته است يا خير؟ پاسخ اين است كه متأسفانه خير» (مطهرى، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۰۹).

۴.۳. اهميت روش‌شناسى در موضوع‌شناسى ساختارى

شاهديم كه موضوعات همواره رو به افزايش است و بسيارى از آنها در بدنه فقه جايى ندارد، زيرا فقه به بساطت و ركود ساختارى مبتلا شده و همچنان مانده و در ساختار آن تحول لازم رخ نداده است. از اين رو انبوهى از مسائل تازه وارد صف كشيده‌اند و جايى براى آنها در فقه باز نشده است، مانند اقتصاد نوين، فقه استارت‌آپ‌ها، بورس، پول، فقه دولت، فقه هنر، فقه فضاي مجازى و...^۱. اينها كه با سيل موضوعات رخ نموده و در ساختمان فقه متعارف، جاي مشخصى ندارد، به‌ناچار در آخر رساله‌هاى عمليه با نام مسائل مستحدثه و ملحقات جمع آمده‌اند. درحالى كه بايد در فرمى از قبل طراحي شده كلاس‌بندي و بر پايه نظامى منطقي و روشمند ساماندهى شوند و جاي گيرند.

پرواضح است كه تحول در نظام موضوعات فقه نيازمند روش‌شناسى و درك فلسفه و بنيان كاراست تا با روشى مناسب مهم‌ترين وسيله تحرك فقه و تحول اجتهادى رخ دهد. از اين رو در روش‌شناسى موضوعات فقهى نمى‌توان به سبك‌هاى سنتى پيشين بسنده كرد، زيرا موضوع‌شناسى ساختارى فقه، فقط تنظيم كتاب‌ها و باب‌بندي و يا چينش ابواب و فصول و يا افزودن درس با موضوع جديد نيست، بلكه نظام‌واره‌اى منطقي است كه بر محور موضوع كلان فقه و ريزموضوعات تحقق مى‌يابد. در واقع كار موضوع‌شناس فقهى در عرض فعاليت‌هاى

۱. خوشبختانه در مهرماه ۱۳۹۹ براساس پيام‌هاى ارسال‌شده در شبكه‌هاى مجازى پانزده موضوع جديد به درس‌هاى خارج حوزوى افزوده شد.

معمول تعریف نمی‌شود، بلکه کاری است فرابخشی و در خدمت همه ابواب فقه و فقهات، زیرا موضوع‌شناسی مثل روح در کالبد فقه جریان دارد و باید همه فقه‌پژوهان، خود را به جریان موضوع‌شناسی متصل کنند و طبق برنامه‌ای دقیق حضوری فعال داشته باشند؛ چه اینکه هیچ‌کدام از استادان علوم از موضوع‌شناسی مستغنی نیستند. موضوع‌یابی دقیق و جامع در موضوعات کهن و نوپدید راز اصلی تحول فقه و روح تمام فعالیت‌های فقهی است (اعرافی، ۱۳۹۵). فقهات، همانند شبکه‌ای اجتماعی و علمی است که باید به موضوع‌شناسی ساختارمند، کامل، دقیق و عمیق متصل شود تا به صورتی برخط و روزآمد تغذیه و متکامل شود. بایسته است صاحب‌نظران و تصمیم‌گیران این رشته علمی، راهکاری بیافرینند تا موضوع‌شناسی در ساختار و مدلی مشخص متجلی شود.

۵. مدلی برای موضوع‌شناسی ساختاری در فقه

موضوع‌شناسی ساختاری فقه (تنظیم همه موضوعات با محوریت موضوع فقه در فرمی منطقی و در شبکه‌ای گسترش‌پذیر و پویا) نظام‌واره‌ای را به دست می‌دهد که نگرشی کلی بر پیکره فقه ایجاد شود و با نظام‌سازی متناسب، گستره موضوعی فقه در یک نگاه مجموعی به صورتی منظم نمایان شود و افزون‌بر مباحث موجود، گزاره‌های نوشونده فقهی در دامن آن جای گیرد. طراحی چنین کالبدی ممکن نیست مگر با تنظیم جامع همه موضوعات فقه در مدلی مشخص؛ مدلسازی در نظام موضوعات فقه بسیار دشوار است، زیرا فراوانی پهنه موضوعی فقه^۲ هم درک درست این نظام درهم‌تنیده را سخت می‌کند و هم نظام‌سازی جامع این همه موضوعات را با دشواری روبه‌رو می‌سازد.

انجام درست این مدل علاوه بر «به‌کارگیری ابزار فناورانه در همه مراحل» به عناصری

۱. هم‌اکنون ۶۰۰ خارج در حوزه تدریس می‌شود که بیش از ۴۰۰ کلاس آن مرتبط با فقه است که در این زمینه نیز ۳۰۰ استاد فعالیت دارند (اعرافی، ۲۸ آذر ۱۳۹۵).

۲. از میان تعلیمات اسلامی، تنها معارف اسلامی، اخلاقی و تربیت اسلامی از حوزه فقه خارج است (مطهری،

وابسته است، مانند:

۵. ۱. موضوع‌شناسى بر پایه نظام‌سازى مصطلحات فقهى

«ساختارشناسى فقه به گونه‌اى كه نظام كلى آن، و جاىگاه هر موضوع، مشخص گردد و عناوين گويا براى هر بحث برگزيده شود و ذيل هر عنوان، مباحث مطرح در قالب استانداردهاى قابل قبول در تاليف و تصنيف ارائه گردد و براى پرهيز از جدا افتادن مباحث مرتبط به هم، يا مخلوط شدن مباحث غيرمرتبط به هم، به موضوع‌شناسى اهميت داده شود» (عطيه و زحيلي، ۱۴۲۲ق ۲۰۰۲م: ۷۴-۱۴)^۱، بنا بر اين موضوع‌شناسى ساختارمند از اصولى‌ترين پايه‌ها، براى نگاه درست به فقه است. نگارنده بر اين مسئله تاكيد دارد كه موضوع‌شناسى بدون اصطلاح‌شناسى محقق نمى‌شود، از اين رو موضوع‌شناسى ساختارى فقه ممكن نيست، مگر آنكه بر سنگ بناى علوم طراحي و تنظيم شود. سنگ بناى هر علمى از جمله علم فقه، مصطلحات آن است، زيرا اصطلاحات علمى، بازتابى از گستره مفاهيم علوم‌اند كه ميان آنها، روابطى منظم و پيشيني^۲ وجود دارد. ورود اصطلاحات در هيچ علمى بلاوجه نيست و حتماً ربطى ميان آن و حوزه موضوعى علم برقرار است. هر گاه اصطلاحات فقه توسط متخصصان از لابه‌لاى منابع، استخراج و طبق قواعدى مشخص تنظيم و در سيستمي نظام‌مند نشان داده شود، در ترسيم ساختار موضوعات فقه و سامان بخشى آن مؤثر خواهد بود. گفتنى است در «علم اطلاعات و دانش‌شناسى» اصطلاح‌نامه‌هاى تخصصى^۳ به همين منظور طراحي شده‌اند، زيرا در فرمى مشخص،

۱. دكتور جمال عطيه در دوازده محور، زمينه‌هاى نوآورى در فقه را برشمرده كه محور نهم آن ساختارشناسى است. ر.ك: گفت‌وگوهاى علمى دكتور جمال عطيه و دكتور وهبه زحيلي، (عطيه، ۲۰۰۲م، ص ۱۴).

۲. روابط پيشين در مقابل روابط پسین، يعنى روابط هميشه صادق كه جدائى از هر متننى به صورت واقعى و منطقى ميان اصطلاحات وجود دارد. ر.ك: يعقوب نژاد، ۱۳۷۵، ص ۶۳. مشخصات اين كتاب در ردیف ۴۷ كتابنامه آمده متوجه اشكال نشدم؟

۳. THESAURUS اصطلاح‌نامه معادل كلمه لاتين تزاروس است كه به واژگان‌نامه، گنج واژه و كنز الاصطلاح نيز معروف است و تاكنون معادل صريحي در عربى ندارد و اخيرا المكنز به جاى معادل آن مطرح شده است.

منظومه‌ای از واژگان کلیدی دانش خاص را ارائه می‌کنند. در اینجا اصطلاح‌نامه فقه می‌تواند به نظام‌سازی موضوعات فقه کمک رساند (گروهی از محققان، ۱۳۹۷). بهره‌گیری از این استاندارد در موضوع‌شناسی فقه مفید است.^۱

۲.۵. رعایت شاخصه‌های معین در موضوع‌شناسی فقه

موضوع‌شناسی ساختاری فقه، بر پایه نظام اصطلاحات، شاخصه‌هایی دارد. آنچه اهمیت بیشتری دارد سه شاخصه است که عبارت‌اند از:

۲.۵.۱. طراحی و مدلسازی

۲.۵.۲. نگرش فناورانه

به کارگیری ابزار فناورانه برای همه مراحل الزامی است: طراحی و تدوین نرم‌افزاری تحت شبکه برای ثبت و مدیریت فرایندها، خروجی‌ها، ذخیره، بازیابی و جست‌وجوی اطلاعات موجود در منابع علمی فقه و تبدیل منابع کاغذی به فایل‌های الکترونیکی برای انجام درست کار، یک نیاز دائمی و اصلی است.

۲.۵.۳. منبع‌شناسی

هر دانشی از جمله فقه در منابع اطلاعاتی مختلفی مانند کتاب، مقاله، اشیا صوتی و تصویری و... رخ می‌نماید. اصطلاحات فقهی در حقیقت هویتی عینی و نمادی از محتوای منابع است و پیش از هر اقدام لازم است منابع و اشیا اطلاعاتی حوزه فقه، شناسایی، و از نظر وزانت منابع در نزد متخصصان فقه، درجه‌بندی و فهرست‌نویسی توصیفی شوند.

۲.۵.۴. تهیه ساختار اولیه و پیش‌فرض

وجود ساختار اولیه به مثابه نقشه راه برای اصطلاح‌شناسان است؛ چنین کاری در مورد علم فقه به دلیل وجود دسته‌بندی‌های متعدد که از سوی فقیهان ارائه شده است، دشوارتر است. حداقل

۱. برای تعریف و کاربرد اصطلاح‌نامه و تفاوت آن با منابع مرجع دیگر مانند لغت‌نامه و فرهنگ‌نامه، رجوع کنید به مقاله «نخستین فرهنگ‌نامه جامع‌نگر در اصول فقه» (یعقوب نژاد، ۱۳۸۹).

انتظار از طرح و ساختار اولیة فقه است که بتواند منطقیاً عمده اصطلاحات اخص فقهی را بدون تداخل در اقسام، پوشش دهد به همین سبب کمیته‌ای متشکل از اندیشوران فقهی و آشنا به فن اصطلاح‌شناسی تشکیل می‌شود، که با توجه به منابع پس از مشاوره با فقهای صاحب‌نظر، طرح اولیه‌ای از ساختار فقه را تهیه کنند که به‌عنوان نقشه راه و الگوی اقدام، برای استخراج اصطلاحات و جای‌دهی در ساختار متناسب استفاده شود تا به مرور تکمیل گردد.

۵.۲.۵. کار تخصصی و گروهی

فهم اصطلاح فقهی، تخصصی است و از جنبه‌های روشی، مستلزم کار گروهی و جمعی است که گروه علمی با برنامه از پیش تعیین‌شده و براساس نظر جمعی و رأی‌گیری عمل می‌کنند (نیز ر.ک: یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۴: ۴۰۶)

۵.۳.۵. گزینش اصطلاحات

یکی از مراحل مهم در موضوع‌شناسی، گزینش درست اصطلاحات است. وجود ملاک و معیار مشخص، زمینه را برای تدوین دقیق‌تر فراهم می‌سازد. در اصطلاح‌شناسی فقه علاوه بر معیارهای مشخص در اصطلاح‌نامه‌ها (یعقوب‌نژاد، ۱۳۷۵: ۱۲) مواردی به شرح ذیل مدنظر قرار می‌گیرد:

۱. رجوع به فرهنگ‌نامه‌ها و دایرة‌المعارف‌هایی که در حوزه فقه نوشته شده است که معمولاً آسان‌ترین راه است. اما باید دقت شود که استفاده از منابع مذکور اگرچه لازم است، کافی نیست.

۲. رجوع به اصطلاح‌نامه‌های تخصصی فقه؛ برای شناسایی مصطلحات فقه و ایجاد رابطه ساخت‌یافته میان آنها و کشف درختواره معنایی، اصطلاح‌نامه تخصصی فقه^۱ می‌تواند در این مورد کمک کند.

۳. رجوع به منابع فقهی؛ مصطلحات فقهی خصوصیاتى دارد که توجه به آنها برای

۱. ر.ک: گروهی از محققان، ۱۳۹۷. اصطلاح‌نامه فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی (۸جلد).

استخراج واژگان مهم است. برای مثال تمرکز بر اخذ واژه از موضوع یک گزاره فقهی (نه محمول آن)، از مهم‌ترین ملاک‌ها برای انتخاب کلیدواژه‌های فقهی است، زیرا عمده محمولات فقهی بر محور احکام (اعم از تکلیفی یا وضعی) است و اخذ واژه برای همه این محمولات به مثابه این است که بخش اعظم اصطلاحات فقهی مملو از واژگانی با پیشوند احکام تکلیفی و وضعی نظیر وجوب نماز، استحباب نماز، کراهت نماز، حرمت بیع ربوی، صحت بیع معاطاتی باشد.

۴. هماهنگ‌سازی: هماهنگی نهایی میان واژگان با در نظر داشتن جهات تقسیم‌یابی از کارهای بسیار مهم است که گروهی از محققان تحت اشراف گروه علمی، بررسی نهایی و هماهنگی لازم را با ملاحظات علمی ارزیابان و مشاوران ارشد، انجام می‌دهند.

۵. استناد: تبیین روابط مفهومی هر اصطلاح در ذیل اصطلاح‌های پذیرفته‌شده با بهره‌گیری از منابع معتبر، همچنین استفاده از ارجاع مناسب در موارد لازم، یکی از وظایف مهم هر اثر مرجع است، زیرا ارجاع به منابع یافتنی است که استفاده فراگیر از دانایی را فراهم می‌کند (جمعی از محققان، ۱۳۹۷، مقدمه).

۵. ۴. استکشاف موضوعات و درخت موضوعی فقه

۵. ۴. ۱. تفاوت اصطلاح با موضوع فقهی

گفتیم که موضوع در اصطلاح فقهی عنصری است که در مقابل حکم قرار می‌گیرد و محور ورود حکم شرعی است. ولی «اصطلاح»^۱ واژه یا عبارتی است که در مواردی خاص، معنایی کاملاً دقیق و محدود را بیان کند (سلطانی، ۱۳۶۵: ۱۶).

کلیدواژگان به واژگانی اطلاق می‌شود که از مدارک و یا متون استخراج می‌شود و پایه نمایه‌سازی قرار می‌گیرد. در تعریف اصطلاح در عرف خاص گفته‌اند: اتفاق قومی بر چیز یا نامی است پس از نقل آن چیز از اولین موضوعش، یا برای مناسبتی که بین اولین

۱. term یا اصطلاح، واژه یا عبارت یا نشانه‌ای حرفی یا حرفی عددی است که در حوزه‌ای تخصصی برای ارجاع به مفهومی مشخص به‌کار می‌رود (فرهنگستان زبان و ادب فارسی - واژه term).

ناگزیریم علاوه بر استخراج اصطلاحات فقه و کشف نظام اصطلاحات، به استکشاف موضوعات و درخت موضوعی فقه نیز بپردازیم.

درخت موضوعی فقه بر پایه نظام اصطلاحات آن، با نظر به موارد ذیل با کار گروهی و سازماندهی همه‌جانبه و با دقت نظر، دست‌یافتنی است.

- توافق بر تعریف و موضوع علم فقه

- توافق بر یکی از قواعد دسته‌بندی^۱ که قاعده عام و خاص با نگرش پلکانی از خاص به عام و از تابع به حاکم، مناسب‌ترین آنهاست.

- به‌کارگیری ابزار فناورانه و کارشناسان فنی خبره برای طراحی‌های لازم و ترسیم درخت موضوعی نهایی.

- طراحی نظام اولیه موضوعات به‌عنوان پیش‌فرض با استفاده از ساختار به‌دست‌آمده از نظام اصطلاحات که به مرور، تا فرجام کار، تکمیل می‌شود

- بازبینی موضوعات شناسایی‌شده فقه و رده‌های موضوعی اصلی از طریق شیوه ترسیمی (درختی) با استفاده از مدل اصطلاح‌گزینی و تنظیم آنها در برنامه نرم‌افزاری تجربه‌شده اصطلاح‌نامه^۲ و مقایسه آن با طرح اولیه نظام موضوعات فقه که به‌عنوان پیش‌فرض تنظیم شده بود، به‌منظور استخراج درخت موضوعی فقه.

۱. برای معیارهای دسته‌بندی ر.ک: یعقوب‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۹.

۲. این برنامه تحت وب، در پژوهشکده مدیریت و مدارک اسلامی مورد بهره‌برداری است



الگوریتم مذکور نمونه‌ای از رده‌های اصلی فقه و نمادی برای کشف نظام اصطلاحات و استکشاف موضوعات و درخت موضوعی فقه است.^۱

۶. نتیجه

موضوع‌شناسی هنگامی کارآمد و تحول‌آفرین در فقه است که:

– ساختارمند باشد؛

– ساختارمندی هنگامی میسر است که موضوعات اصلی و فرعی شناسایی و روابط آنها، به‌درستی درک شود (فهم دقیق ارتباطات معنایی میان موضوعات در ساختارشناسی

۱. برگرفته از پایگاه مدیریت اطلاعات علوم اسلامی، اصطلاح فقه.

درست موضوعات بسیار کلیدی است، زیرا بر پایه آن ساختمان معنایی فقه به‌خوبی مشخص و جایگاه هر موضوع در نظامی پلکانی از خاص به عام، قرار می‌گیرد؛

- فهم یادشده در فرمتی از پیش طراحی شده درج شود، تا زمینه استقرار هر موضوع در نظام پلکانی را به دست دهد. این نظام فرمینگ هم مقدمه ترسیم ساختمان معنایی فقه است و هم به فهم دقیق‌تر موضوعات پایه و زیرمجموعه‌ها می‌انجامد؛

و این همه، مبتنی است بر نظام‌شناسی اصطلاحات فقهی در قالب استانداردهای قابل قبول، اصطلاح‌شناسی از اصولی‌ترین پایه‌ها، برای نگاه درست به فقه است تا طبق آن، ساختارمندی دقیق موضوعات، تحقق یابد.

این فعالیت بزرگ با کارگروهی (نه فردی) دست‌یافتنی است که متخصصان و صاحب‌خردان فقهی با در نظرداشت شاخصه‌های پیش‌گفته، درختواره معنایی موضوعات را کشف کنند.^۱

۱. اصطلاح‌نامه فقه دست‌مایه مناسبی برای آغاز این هدف است.

کتابنامه

۱. ابن سینا (۱۳۷۱ و ۱۳۷۹ هـ ۱۹۵۲ و ۱۹۷۷ م). *شفاء (منطق)*، قاهره: بی نا.
۲. ابن فهد حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۷ق). *المهذب البارع فی شرح مختصر النافع*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. أبوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (۱۴۰۳ق). *الکافی فی الفقه*، تحقیق رضا استادی، اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین اصفهان.
۴. اعرافی، علیرضا (۲۸ آذر ۱۳۹۵). دیدار طلاب استان یزد در قم سالن اجتماعات دارالشفاء، برگرفته از <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/09/28/1270253/600>
۵. حری، عباس (۱۳۸۱). *دائرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۶. حسن زاده، حسین (۱۳۹۸). «نقش آنولوژی فقه در موضوع شناسی فقهی»، *دوفصلنامه مدیریت دانش اسلامی*، دوره ۱، ش ۲، ص ۵۴ - ۷۴.
۷. حسینی عاملی، جواد بن محمد (۱۴۱۸ق). *مفتاح الکرامه*، ج ۸، بیروت: دار التراث.
۸. حلبی، أبو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق). *الکافی فی الفقه*، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه امام امیرالمؤمنین (ع).
۹. حلّی، فخرالمحققین (۱۳۸۷ق). محمد بن حسن، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم: اسماعیلیان.
۱۰. حماده، محمد ماهر و علی القاهی، (۱۴۰۵ق)، *تنظیم المکتبه المدرسیه*. چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۱. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق). *کفایه الاصول*، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۲. خمینی، روح الله (۱۳۶۹). *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۳. خمینی، روح الله (۱۳۷۶). *منشور روحانیت*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۴. خمینی، مصطفی (۱۴۱۸ق). *خيارات*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. دیانی، محمدحسین و عبد الحمید معرف زاده (ترجمه و تألیف)، (۱۳۷۰). *مبانی مرجع*، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۶. سلار دیلمی، ابویعلی حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۱۴ق). *المراسم العلویة فی الأحکام النبویة*، قم: المجمع العالمی لأهل البيت (ع).
۱۷. سلطانی، پوری و فروردین راستین (۱۳۶۵). *اصطلاحنامه کتابداری*، تهران: کتابخانه ملی ایران.
۱۸. شهابی خراسانی، محمود (۱۳۲۴) *ادوار فقه*، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. شهید اول (محمد بن مکی) (بی تا). *القواعد والفوائد*، ج ۱، قم: مکتبه مفید.
۲۰. شیبانی، زکیه (۱۳۹۴). «ارزیابی رعایت معیارهای اصطلاح‌نامه علوم اسلامی براساس ایزو ۵۹۶۴»، *فصلنامه مطالعات دانش‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۲. صدر، محمدباقر (۱۴۰۶ق). *دروس فی علم الاصول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. صدر، محمدباقر (۱۹۷۸). *دروس فی علم الاصول*، لبنان: الحلقة الاولى.
۲۴. صدر، محمدباقر (۱۴۰۵ق). *بحوث فی علم الاصول*، تقریر، هاشمی، محمود، قم: مجمع علمی شهید صدر.
۲۵. طاهری عراقی، احمد (۱۳۷۶). *رده BP/اسلام: گسترش رده اسلام براساس نظام رده‌بندی کنگره*، به کوشش زهره علوی و دیگران، ویراست دوم، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲۶. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. عاملی، جمال‌الدین، حسن بن زین‌الدین (۱۴۱۸ق). *معالم الدین و ملاذ المجتهدین* (قسم

- الفقه، (بي جا)، چ اول، قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر.
۲۸. عاملي، شهيد اول، محمد بن مكي (۱۴۱۹ق). *ذكري الشيعة في أحكام الشريعة*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۹. عاملي، شيخ حسين عبدالصمد حارثي (۱۴۰۱ق). *وصول الاخير الى اصول الاخبار*، قم: چاپ عبداللطيف كوهكمري.
۳۰. عطيه، جمال و وهبه زحيلي (۲۰۰۲م). *تجديد الفقه الإسلامي*، از سلسله كتاب هاي *حوارات لقرن جديد*، چ دوم، دمشق-بيروت: دارالفكر.
۳۱. علامه حلي، ابومنصور حسن بن يوسف (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحكام*، ج ۱، قم: دفتر نشر إسلامي (جامعه مدرسين).
۳۲. علامه حلي، ابومنصور حسن بن يوسف (۱۴۰۱ق). *مختلف الشيعة (۹ جلدی)*، قم: دفتر انتشارات اسلامي (جامعه مدرسين).
۳۳. علامه حلي، ابومنصور حسن بن يوسف (۱۴۱۲ق). *منتهى المطلب*، (۱۵ جلدی)، مشهد، مجمع البحوث الإسلامي.
۳۴. علامه حلي، ابومنصور حسن بن يوسف (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء ۲۰ جلدی*، قم: چاپ مهر.
۳۵. فرحناک، علي رضا (۱۳۹۰). *موضوع شناسي در فقه گفت وگو با جمعي از اساتيد محترم حوزه و دانشگاه*، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
۳۶. گروهی از محققان (۱۳۹۷). *اصطلاح نامه فقه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
۳۷. گروهی از محققان (۱۳۷۶). *اصطلاح نامه فلسفه اسلامي*، مرکز مطالعات و تحقيقات اسلامي، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه.
۳۸. گروهی از محققان (۱۳۷۸). *اصطلاح نامه منطق*، ذيل «منطق» (حوزه اصلي)، مرکز مطالعات و تحقيقات اسلامي، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه.
۳۹. مجموعه مقالات همایش ملي *اصطلاح نامه (۱۳۹۱)*. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامي، تهران: نشر کتابدار.

۴۰. محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق). *شرایع الاسلام*، ج ۱، بیروت، دار الاضواء.
۴۱. محمصانی، صبحی رجب (۱۳۵۸). *فلسفه التشریح فی الاسلام* (عنوان اصلی): *فلسفه قانونگذاری در اسلام*، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران: امیرکبیر.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). *ده گفتار*، تهران: صدرا.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *آشنایی با علوم اسلامی*، ج ۳، تهران: صدرا.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۱، *مجله نقد و نظر*، سال دوم، ش ۵.
۴۵. نائینی، محمدحسین (۱۴۱۶ق). *فوائد الاصول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۶. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۸۹). «فرهنگ‌نامه اصول فقه؛ نخستین فرهنگ‌نامه جامع‌نگر در اصول فقه»، *آینه پژوهش*، ش ۱۲۴، ص ۷۹-۸۷.
۴۷. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۷۵). *درآمدی بر مبانی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۴۸. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۹۴). «نقش اصطلاح‌شناسی در توانمندسازی فقه»، *فصلنامه علمی پژوهشی کاوشی نو در فقه*، سال ۲۲، ش ۳، ص ۳۶-۷.
۴۹. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۹۰). «طبقه‌بندی علوم و چالش‌های فرارو»، *فصلنامه علمی پژوهش نقد و نظر*، سال شانزدهم، ش ۴، ص ۱۵۲-۱۳۵.
۵۰. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۹۴). *الگوی نوین در مدیریت دانش انسانی اسلامی* (مقاله)، مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، قم: انتشارات آفتاب.
۵۱. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۸۷). *منهج تدوین معجم مصطلحات العلوم اسلامیة*، قم: نشر دفتر تبلیغات.
۵۲. فقه، (بی‌تا). *پایگاه مدیریت اطلاعات علوم اسلامی*. برگرفته از:

References

1. Ibn Sina (1371 and 1379 AH 1952 and 1977 AD). *Healing (logic)*, Cairo, Bina. (in Arabic)
2. Ibn Fahd Halli, Jamal al-Din, Ahmad ibn Muhammad al-Asadiyyah, (1407 AH). *Al-Madhab al-Bar'a fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi'*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary. (in Arabic)
3. Abu al-Salah Halabi, Taqi Ibn Banjam (1403 AH). *Al-Kafi in jurisprudence*, research by Reza Ostadi, Isfahan: Amir al-Mu'minin School of Isfahan. (in Arabic)
4. Araf, Alireza; (December 19, 2016). *the visit of the students of Yazd province in Qom*, Darolshafa meeting hall, taken from <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/09/28/1270253/600>. (In Persian)
5. Hori, Abbas (2002). *Encyclopedia of Library and Information Science*, Tehran: National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran. (in Persian)
6. Hassanzadeh, Hussein (1398). "The Role of Jurisprudential Anthology in Jurisprudential Theology", *Bi-Quarterly Journal of Islamic Knowledge Management*, Vol. 1, No. 2. (in Persian)
7. Hosseini Amili, Jawad Ibn Muhammad, (1418 AH). *Muftah al-Karama*, Vol. 8, Beirut, Dar al-Tarath. (in Arabic)
8. Halabi, Abu al-Salah, Taqiyat al-Din ibn Najm al-Din, (1403 AH). *Al-Kafi in jurisprudence*, research by Reza Ostadi, Isfahan: Maktab Imam Amir al-Mu'minin. (in Arabic)
9. Hilli, Fakhr al-Muhaqqin (1387 AH). Muhammad ibn Hassan, Explaining the benefits in explaining the problems of the rules, Qom: Ismaili. (in Arabic)
10. Hali, Fakhr al-Muhaqqin (1387 AH). Mohammad Bin Hasan, Explanation of Al-Faweed in the Explanation of the Problems of Al-Qasas, Qom: Ismailian.
11. Hamadeh Mohammad Maher and Ali Al-Qahi, (1405 AH). third edition, Al-Muktabah Al-Madrasiya. (in Arabic)
12. Hamadah, Mohammad Maher and Ali Al-Qahi, (1405 AH), the arrangement of al-Maktabeh al-Madrasiyah. Third edition, Beirut, Al-Rasalah Institute.
13. Khorasani, Mohammad Kazem (1409 AH). *Kefayat al-Osul*, Qom: Al-Bayt Foundation. (in Arabic)
14. Khomeini, Ruhollah (1990). *Sahifa Noor*, Tehran, Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution. (in Arabic)
15. Khomeini, Ruhollah (1997). *Charter of the Clergy*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in Persian)
16. Khomeini, Mustafa (1418 AH). *Khayat*, Qom: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini. (in Arabic)
17. Diani, Mohammad Hussein and others (translation and authorship) (1370). the principles of reference, Mashhad: Astan Quds Razavi. (In Arabic).
18. Salar Dailami, Abu Ali Hamzah Ibn Abdul Aziz, (1414 AH). *The Alawite ceremony in the rules of the Prophet*, Qom: the World Assembly for the Ahl al-Bayt (AS). (in Arabic)

19. Soltani, Pouri and Farvardin Rastin (1986). Tehran, National Library of Iran. (In Arabic).
20. Soltani, Puri and Farvardin Rastin (1365). Library Thesaurus, Tehran: National Library of Iran.
21. Shahabi Khorasani, Mahmoud (1324). *Advar Fiqh*, Vol. 2, Tehran: University of Tehran Press. (In Arabic).
22. Shahid Awwal (Mohammad Ibn Makki) (Bita). *Rules and Benefits*, Vol. 1, Qom, useful school. (in Arabic)
23. Sheibani, Zakieh (2015). "Evaluation of compliance with the criteria of the Thesaurus of Islamic Sciences based on ISO 5964", *Quarterly Journal of Scientific Studies*, Allameh Tabatabaei University. (in Arabic)
24. Sheikh Hurr Ameli, Muhammad ibn Hassan (1409 AH). *Shiite means*, Qom: Publication of Al-Bayt Institute (AS). (in Arabic)
25. Sadr, Mohammad Baqir (1406 AH). *Lessons in the Science of Principles*, Qom: Publication of the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (In Arabic).
26. Sadr, Mohammad Baqir (1978). *Lessons in the Science of Principles*, Lebanon, Al-Halqa Al-Awali. (in Arabic)
27. Sadr, Mohammad Baqir (1405), *Research in the Science of Principles*, Report, Hashemi, Mahmoud, Qom: published by the Scientific Assembly of Martyr Sadr. (n Arabic)
28. Taheri Iraqi, Ahmad (1997). *BP Category of Islam: Expanding the Category of Islam Based on the Classification System of the Congress*, by Zohreh Alavi et al., Second Edition, Tehran: National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran. (in Arabic)
29. Tarihi, Fakhreddin, (1408 AH), Bahrain Assembly and the study of the Nirin, Tehran. (in Arabic)
30. Amili, Jamal al-Din, Hassan ibn Zayn al-Din (1418 AH) (in Arabic)
31. Amili, Shahid Awwal, Muhammad ibn Makki (1419 AH). *mentioning the Shiites in the rules of Sharia*, Qom: Aal al-Bait Foundation, peace be upon them. (in Arabic)
32. Amili, Sheikh Hussein Abd al-Samad Harisi (1401). Receipt of Al-Akhyar to Usul Al-Akhbar, Qom: Abdul Latif Kuhkamari. (in Arabic)
33. Atiyah, Jamal; Zahili, Wehbeh (2002). *The Renewal of Islamic Jurisprudence*, from the series of books of the disciples of the new century (2nd ed.), Damascus-Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
34. Allamah al-Hilli, Abu Mansour Hassan Ibn Yusuf (1413 AH). Rules of Rulings, Vol. 1, Qom: Islamic Publishing Office. (in Arabic)
35. Allamah al-Hilli, Abu Mansour Hassan Ibn Yusuf, (1413 AH). Various Shiites (9 Volumes), Qom: Islamic Publications Office (Teachers Association). (in Arabic)
36. Allamah al-Hilli, Abu Mansour Hassan Ibn Yusuf, (1412 AH). the end of the content, (15 volumes), Mashhad, Islamic Research Complex. (in Arabic)
37. Allamah al-Hilli, Abu Mansour Hassan Ibn Yusuf (1414 AH). Tazkereh al-Fiqh 20 volumes, Qom, Mehr printing. (in Arabic)

38. Farahnak, Ali Reza (2011). *Thematics in Conversational Jurisprudence with a group of respected professors of the seminary and university*, Qom: published by the Institute of Islamic Sciences and Culture. (In Persian).
39. A group of researchers (1397). *the terminology of jurisprudence*, under "jurisprudence" (main field), Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. (in Persian)
40. A group of researchers (1997). *Thesaurus of Islamic Philosophy*, Center for Islamic Studies and Research, Qom: Islamic Propagation Office of the Qom seminary. (In Persian).
41. A group of researchers (1999). *Thesaurus of Logic, under "Logic" (main field)*, Center for Islamic Studies and Research, Qom: Islamic Propagation Office of the Qom seminary. (in Persian)
42. Proceedings of the National Thesaurus Conference (2012). *Islamic Information and Documentation Center*, Tehran: Librarian Publishing. (In Persian).
43. Mohaqiq Hilli, Ja'far ibn Hassan (1403 AH). *Sharia al-Islam*, Vol. 1, Beirut: Dar al-Azwa. (in Arabic)
44. Mahmsani, Sobhi Rajab (1358). *Philosophy of Legislation in Islam (main title): Philosophy of Legislation in Islam*, translated by Ismail Golestani, Tehran: Amirkabir. (in Arabic)
45. Motahhari, Morteza (1375). *Ten Speeches*, Tehran: Sadra.
46. Motahhari, Morteza (2008). *Introduction to Islamic Sciences*, Vol. 3, Tehran: Sadra. (in Persian)
47. Makarem Shirazi, Nasser, Naqd va Nazar, Second Year, Fifth Issue. (in Persian).
48. Makarem Shirazi, Nasser, 1391, Naqd wa Nazar magazine, second year, vol. 5.
49. Naeini, Mohammad Hussein (1416 AH). *Benefits of Principles*, Qom: Qom Seminary Teachers Association. (in Arabic)
50. Yaqoubnejad, Mohammad Hadi, (2010). "Dictionary of Principles of Jurisprudence; The first dictionary of the "comprehensive in the principles of jurisprudence", *Ayneh Pajuhesh*, Vol. 124. (in Persian)
51. Yqoubnejad, Mohammad Hadi, (1375), *An Introduction to the Basics of the Thesaurus of Islamic Sciences*, Qom, Islamic Propagation Office of the Qom Seminary. (in Persian)
52. Yqoubnejad, Mohammad Hadi (2015). "The Rhetorical Role in Empowering Jurisprudence", *Quarterly Journal of New Exploration in Jurisprudence*, Vol. 22, No. 3. (in Persian)